

نقش استطاعت در وجوب حج از منظر احادیث مشترک و فقه فریقین

افسانه قنبری راد^۱

چکیده

استطاعت یکی از موضوعات مهم در وجوب حج به شمار می‌رود. فقهای اهل سنت و شیعه، توانایی گزاردن حج براساس ضوابط و احکام شرعی را (که عناصر آن عبارتند از مالی، طریقی، بدنی و زمانی) استطاعت نامیده‌اند و آن را شرط وجوب حج می‌دانند و در این خصوص به آیه ۹۷ سوره مبارکه آل عمران ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ استناد کرده‌اند و در ضمن احادیثی مشترک به تبیین مفهوم آن پرداخته‌اند. بنا بر این روایات، استطاعت به داشتن زاد و راحله تفسیر شده است.

یکی از ضرورت‌های فقه، انطباق موضوعات با مسائل روز است. توجه و اهتمام به موضوع عرف - شیوه عملی اغلب مردم جامعه - از اصول مهم در تقریب مذاهب و مبانی مهم در اسلام محسوب می‌شود؛ چنان‌که معارف دینی و منابع اصیل بر پایه اسلوب و محاورات عرفی با این شرط که مخالف با نص (قرآن و سنت) و از نوع مسامحات و عادات تقلیدی و بی‌اساس نباشد، بنا شده است. در فقه اسلامی برای عرف و اعتبار آن اتفاق نظر وجود دارد و در مفهوم و مصادیق استطاعت عرف جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به اهمیت

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد تربت حیدریه، ایران

afsanehghanbarirad@gmail.com

شأنیت افراد در مفهوم استطاعت، تناسب توشه به لحاظ کمی و کیفی، با شأن حج گزار را عرف تعیین می‌کند.

عمده اعتقادات و باورهای اهل سنت، در این باره مانند اهل تشیع است و تنها به لحاظ فقهی و ظواهر با هم تفاوت دارند. فقهای اهل سنت و امامیه به استناد قرآن و احادیث مشترک، در موضوع وجوب حج استطاعت مطلق (که عبارت است از: باز بودن راه، امنیت سفر، داشتن آذوقه و هزینه رفت و برگشت سفر) را شرط کرده‌اند و وجوب حج را به آن منوط دانسته و بر این اساس فتوا داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: حج، استطاعت مالی، استطاعت طریقی، استطاعت بدنی، احادیث مشترک، فقه فریقین

مقدمه

حج مهم‌ترین عامل وحدت‌آفرین میان جوامع اسلامی است که در ماه ذی‌الحجه، در شهر مکه و اطراف آن با عنوان مناسک حج انجام می‌شود. دین مبین اسلام به فریضه حج توجه و سفارش کرده است. با توجه به توسعه و افزایش گستره اسلام در جامعه جهانی امروز، چالش‌های فراوانی در مسیر برپایی و زنده نگه داشتن این فریضه و کنگره عظیم جهانی وجود دارد که ضروری است از سوی کارشناسان و بزرگان دین بررسی و تبیین جامعی صورت پذیرد؛ منبع اصلی احکام و قوانین حج، قرآن کریم و سنت است و به عنوان پایه اساسی در همه دوران‌ها و حکومت‌ها به آن استناد می‌شده است. پژوهش در این خصوص حکایت از آن دارد: قرآن کریم در آیات شماره شده‌ای، اختصاصاً به فریضه حج و ارکان و احکام آن پرداخته است. وجود سوره مبارکه حج و آیات متعدد دیگری در قرآن و همچنین بیش از نه هزار روایت معتبر درباره حج بیانگر اهمیت و جایگاه خاص این فریضه است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵۴).

بسیاری از مفسران و دانش پژوهان اسلامی به آیه ۹۷ سوره مبارکه آل عمران - که معروف‌ترین آیه حج است - استناد می‌کنند:

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

در آن نشانه‌هایی روشن؛ [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید، در امان است و برای خدا حج آن خانه برعهده مردم است؛ [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

و طبق این آیه حج را - در صورت حصول شرائط - واجب می‌دانند.

شایان ذکر است گروهی از مفسرین و فقها از دو آیه ۱۹۶ بقره و ۲۷ حج به «آیه حج» نیز تعبیر کرده‌اند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حج را معادل تمام شریعت دانسته و می‌فرمایند: «انه افضل من الصلاة والصيام». (حلبی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۵، ۱۹۸ و ۲۱۷)

در این نوشتار برآنیم دلالت احادیث مشترک فریقین در خصوص شرط استطاعت در وجوب حج را بررسی کنیم و به بیان فتاوی‌یی که به استناد این روایات به صدور احکام مشترک منجر شده است، پردازیم و گامی در مسیر تبیین جایگاه وحدت آفرین حج برداریم.

استطاعت در اصطلاح فقه

استطاعت در باب حج، یعنی توانایی حج گزاردن براساس ضوابط و احکام شرعی، مانند داشتن توشه و وسیله سفر است. (قلعجی و قنیبی، ۱۴۰۸ق، ص ۶۲، هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۴۲۸)

استطاعت شرعی

مراد از توانایی و استطاعت شرعی، برخورداری از شرایطی است که در فقه برای وجوب حج بیان شده است و عناصر آن عبارتند از:

۱. مالی؛

۲. امنیتی یا طریقی؛

۳. بدنی؛

۴. زمانی. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۲۴ - ۵۶)

به اجماع فقیهان، حج در صورتی بر انسان واجب می شود که مستطیع باشد. [رک: عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۳۴] این فتوا مستند به آیه ۹۷ سوره آل عمران است که در آن وجوب حج به استطاعت مشروط شده است.

استطاعت در احادیث فریقین

۱. احادیث اهل سنت

در روایات اهل سنت احادیث فراوانی وجود دارد که به موضوع استطاعت و تبیین مفهوم آن پرداخته است؛ بنا بر این روایات استطاعت به داشتن زاد و راحله تفسیر شده است که به نمونه هایی اشاره می کنیم:

یک- قیلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحُجُّ كُلُّ عَامٍ قَالَ لَا بَلَ حَجَّةٌ قَيْلَ فَمَا السَّبِيلُ إِلَيْهِ قَالَ الرَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ. (دارقطنی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۱۸).

از رسول خدا ﷺ پرسیده شد: آیا بر فرد، حج همه سال ها واجب است؟ فرمودند: نه! فقط یک حج بر هر مسلمان واجب است. پرسیدند: منظور از سبیل در حج چیست؟ فرمودند: توشه و وسیله سفر.

دو- عَنْ ابْنِ عُمَرَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُوجِبُ الْحَجَّ قَالَ الرَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ. (ترمذی، ۱۴۰۰ش، ج ۳، ص ۳۱۳)

بررسی هایی که در خصوص سند این روایت و روایات مشابه انجام داده اند،^۱ از

۱. وهمچنین در سنن دارقطنی، باب حج، ج ۲، ص ۲۱۵ از جابر بن عبد الله نقل شده است: «حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ أَحْمَدُ بْنُ... عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا السَّبِيلُ قَالَ الرَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ» و در کتب السنن الصغیر للبيهقي، باب ۲، جز ۲، ص ۱۳۳؛ السنن البيهقي الكبرى، باب اثبات فرض الحج على من استطاع اليه، ج ۴،

جایگاه آن نزد علمای اهل سنت حکایت دارد.

۲. احادیث شیعه

بررسی احادیث شیعه نیز حکایت از اشتراک در تفسیر استطاعت دارد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

یک- اَبی عبد الله علیه السلام قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْقَدْرِ فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ أَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْإِسْتِطَاعَةَ؟ فَقَالَ: وَيْحَكَ إِنَّمَا يَعْنِي بِالِاسْتِطَاعَةِ الرَّادَّ وَالرَّاحِلَةَ لَيْسَ اسْتِطَاعَةَ الْبَدَنِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: أَفَلَيْسَ إِذَا كَانَ الرَّادُّ وَالرَّاحِلَةُ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ فَقَالَ: وَيْحَكَ لَيْسَ كَمَا تَظُنُّ قَدْ تَرَى الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ أَكْثَرَ مِنَ الرَّادِّ وَالرَّاحِلَةَ فَهُوَ لَا يَحُجُّ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ. (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶۸)

دو- سِئَلِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحُجُّ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حُرٍّ بَالِغٍ مُسْتَطِيعٍ إِلَيْهِ السَّبِيلِ، وَالِاسْتِطَاعَةُ عِنْدَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ لِلْحَجِّ بَعْدَ كَمَالِ الْعَقْلِ وَ سَلَامَةِ الْجِسْمِ مَمَانِعَهُ مِنَ الْحَرَكَةِ الَّتِي يَبْلُغُ بِهَا الْمَكَانَ وَ التَّخْلِيَةَ مِنَ الْمَوَانِعِ بِالْإِجْمَاعِ وَ الْإِضْطِرَارِ، وَ حُصُولِ مَا يَلْجَأُ إِلَيْهِ فِي سَدِّ الْحَنَّةِ مِنْ صِنَاعَةٍ يَعُودُ إِلَيْهَا فِي أَكْتِسَابِهِ. أَوْ مَا يَنْبُوْغُ عَنْهَا مِنْ مَتَاعٍ أَوْ عَقَارٍ أَوْ مَالٍ ثُمَّ وُجُودِ الرَّادِّ وَالرَّاحِلَةِ.

از امام جعفر صادق علیه السلام در خصوص استطاعت سؤال شد. ایشان فرمودند:

حج بر هر انسان آزاده بالغ و استطاعت بر مسیر واجب است و استطاعت بعد از کمال عقل و سلامت جسم، آن چیزی است که مانع رسیدن به مکان (مکه) باشد و باز بودن مسیر و نبود موانعی که موجب ترس و اضطراب شود و به دست

ص ۳۲۴؛ سنن ابن ماجه. باب ما يوجب الحج، ج ۸، ص ۴۴۵؛ سنن دارقطني، باب كتاب الحج، ج ۲، ص ۲۱۶؛ صحيح بخاري، ج ۳، ص ۵۹۰؛ كتاب الحج و ج ۱، ص ۴۴۹. احاديثي مشابه در خصوص استطاعت آورده شده است.

آوردن آنچه که از آن برای پیمودن راه نیاز است [که عبارت از] مال و حیوان و توشه است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲)

سَأَلَ حَفْصُ الْكُنَاسِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَاعَنْدَهُ، عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ مَا يَعْنِي بِذَلِكَ؟ قَالَ: مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِ مُخْلِئًا سَرِيهًا، لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ مَنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ...» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۷، باب ۸)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مفهوم آیه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ می فرمایند: «مراد کسی است که بدنش سالم، راهش باز و دارای زاد و راحله باشد.

استطاعت در فقه فریقین

۱. فقهای اهل سنت

فقیهان اهل سنت با استناد به روایات، شرط استطاعت و وجوب حج را داشتن توشه و وسیله سفر می دانند؛ ابن قدامه در المعنی چنین می نگارد:

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: کسی که مال و توشه دارد؛ درحالی که عاقل و بالغ است، حج و عمره بر او واجب است. براین اساس حج با دارا بودن پنج شرط واجب می شود: اسلام، عقل، بلوغ آزاد بودن و استطاعت. در این خصوص هیچ اختلافی وجود ندارد و آن را ابوداود و ابن ماجه و ترمذی نقل کرده اند و اگر غیر مستطیع دچار مشقت شود و بدون زاد و توشه حرکت کند و حج بگذارد، حج او صحیح است و از حجة الاسلام کفایت می کند؛ همانند کسی که نماز ایستاده و روزه گرفتن بر او واجب نیست. روزه گرفتن و نماز ایستاده او قبول می شود. و در استطاعت، مالک بودن زاد و توشه شرط شده است و به این مطلب حسن و مجاهد و سعید بن جبیر و شافعی و اسحاق اشاره دارند.

ترمذی گفته است: «و اهل علم به این مطلب عمل می کنند» و عکرمه گفته است: «این مطلب صحیح است» و ضحاک گفته است: «اگر فرد جوان باشد

باید خودش را به خورد و خوراک و همراهی با کاروان اجاره دهد تا اینکه بتواند حجش را به جای آورد» و از مالک نقل شده است: اگر می‌تواند پیاده به حج برود و عادت دارد که از مردم برای تأمین هزینه‌هایش گدایی کند، حج براو واجب می‌شود». (ابن قدامه، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۲۱۸-۲۱۳)

ابن قدامه در مسئله ۲۲۰۲ نیز چنین می‌نگارد:

شرط داشتن وسیله نقلیه برای کسی است که فاصله بین کعبه و محل زندگی اش مسافتی باشد که موجب شکسته شدن نمازش می‌شود؛ کسی که نزدیک کعبه سکونت دارد و می‌تواند پیاده برود، داشتن وسیله نقلیه برای او لازم نیست؛ زیرا مسافتش نزدیک است و می‌تواند پیاده به حج برود و در این صورت حج براو واجب می‌شود؛ مانند وجوب نماز جمعه بر کسی که در محدوده شرعی وجوب نماز جمعه سکونت دارد. اما برای کسانی که نمی‌توانند پیاده روی کنند، داشتن وسیله نقلیه، مانند کسانی که دور از مکه هستند، شرط وجوب حج است؛ و اما داشتن توشه برای حج گزار ضرورت دارد و اگر توشه ندارد و تهیه آن ممکن نباشد؛ حج براو واجب نیست. و مراد از توشه چیزی است که در سفر حج به آن نیاز باشد؛ اعم از خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و... در صورتی که تهیه آن با قیمت مناسبی که در آن اجحاف نباشد ممکن باشد، تهیه آن لازم است. در غیر این صورت لازم نیست و حج براو واجب نیست. (همان، ص ۲۱۵)

همچنین مسئله ۲۲۰۷ نیز به مطالبی مشابه آنچه ذکر شد، اشاره دارد. (همان، ص ۲۱۷)

از مجموع مطالب وی و سایر فقهای اهل سنت می‌توان چنین نتیجه گرفت که استطاعت، نزد مذاهب اهل سنت - با وجود اختلافات جزئی - دارای مفهومی مشترک است که به آن اشاره می‌شود:

الف) مذهب حنفی: بزرگان حنفیه، استطاعت (امکانات مورد نیاز در سفر؛ اعم از پوشیدنی، خوردنی، اسکان و وسیله رفت و برگشت) را وجود زاد و راحله می‌دانند. (ابن نجیم الحنفی زین الدین، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۳۵) میان عالمان فقهی و

اصولی مذهب حنفیه از این جهت که استطاعت شرط «ادا» است یا شرط «وجوب» اختلاف نظر وجود دارد. فقها می‌گویند استطاعت شرط «وجوب» و اصولی‌ها می‌گویند شرط «ادا» است.

ب) مذهب مالکی: زاد و راحله امکان رسیدن به مکه و محل انجام اعمال حج، بدون زحمت و مشقت است. (الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۶۳۴)

ج) مذهب شافعی: به نظر شافعیان داشتن هزینه رفت و برگشت لازم است و برخلاف نظر مالکیان، داشتن شغل درآمدزا در طول سفر برای شخص کافی نیست، مگر آنکه وی ساکن مکه یا نزدیک آن باشد و درآمدش زیاد باشد. (نوی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۶۳-۶۷؛ زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۰)

د) مذهب حنبلی: استطاعت در نظر بزرگان حنابله، قدرت بر تهیه زاد و راحله‌ای است که برای چنین سفری لازم است و این زاد و راحله مزید بر توشه‌ای است که برای زندگی روزمره لازم است.

۲. استطاعت در فقه شیعه

فقهای عظام شیعه، همانند بزرگان اهل سنت، استطاعت را به داشتن زاد و راحله تعبیر کرده‌اند و طبق آن حکم فرموده‌اند که به آن اشاره می‌کنیم:

الف) مرحوم شیخ مفید رحمته‌الله با اشاره به کلام الهی در تفسیر استطاعت می‌فرماید: ... و خداوند بلندمرتبه حج را بر کسی که استطاعت دارد، واجب کرد. (آل عمران: ۹۷) بر هر انسان آزاد، بالغ، توانا در راه، بعد از کمال عقل و سلامت جسم، استطاعت آن چیزی است که مانع رسیدن به مکان (مکه) نباشد و مسیر باز باشد و موانعی که موجب ترس و اضطراب است، وجود نداشته باشد. و مال و حیوان و توشه، که برای پیمودن راه نیاز است، وجود داشته باشد. (الشیخ المفید، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۴)

ب) مرحوم شیخ طوسی رحمته الله داشتن زاد و راحله را شرط وجوب حج دانسته و مانند فقهای فریقین، زاد و راحله‌ای را شرط می‌دانند که مازاد بر نفقه فرد باشد. ایشان در المبسوط می‌فرماید: ...

زاد و راحله شرط وجوب حج است و آنچه در آن لحاظ می‌شود؛ این است که حج‌گزار هزینه رفت‌وآمد و هزینه‌های واجبی که برگردن دارد و بیش از آن را نیز تا زمان برگشت داشته باشد که پس از برگشت بتواند به وسیله آن، هزینه‌های زندگی را تأمین کند. پس اگر باغی یا مغازه و منزلی داشته باشد که با آن بتواند در برگشت از حج هزینه‌ها را تأمین کند و به اندازه باشد، حج بر او واجب می‌شود و واجب نیست منزلی که در آن زندگی می‌کند یا خادم‌اش را بفروشد. بنا بر اجماع، کتاب و سنت استطاعت، داشتن مال و سلامتی و توانایی و باز بودن راه و فرصت و زمان مناسب و کافی برای انجام حج است و در کافی نبودن قدرت عقلی اختلاف نظر و اشکالی وجود ندارد و استطاعت شرعی در آن شرط می‌شود. پس با نبود استطاعت شرعی - همان‌گونه که در تعدادی از اخبار زاد و توشه آمده است و با نبود آن دو - حج واجب نمی‌شود. اگرچه عقلاً قابل اکتساب باشد.^۱ (الشیخ الطوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹۶)

ایشان در کتاب الخلاف نیز به این موضوع اشاره فرموده و داشتن زاد و راحله را شرط

۱. وَالزَّادُ وَالرَّاحِلَةَ شَرْطٌ فِي الْوُجُوبِ وَالْمُرَاعَى فِي ذَلِكَ نَفَقَتُهُ ذَاهِباً وَجَائِياً وَ مَا يُحْلِفُهُ لِكُلِّ مَنْ يَجِبُ عَلَيْهِ نَفَقَتُهُ قَدْرَكَفَايَتِهِمْ وَ يُفْضَلُ مَعَهُ مَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ يَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى أَمْرِهِ أَوْصَانَةً يَلْتَجِي إِلَيْهَا فَإِنْ كَانَ ضَيَاعِ أَوْ عَقَارِ أَوْ مَسْكَنٍ يُنْكِنُهُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَيْهَا وَيَكُونُ قَدْرَكَفَايَتِهِمْ لَزِمُهُ وَ لَا يَلْزِمُهُ بَيْعُ مَسْكَنِهِ الَّذِي يَسْكُنُهُ وَ لَا بَيْعُ خَادِمِهِ. الْإِسْتِطَاعَةُ مِنْ حَيْثُ الْمَالِ وَ صِحَّةِ الْبَدَنِ وَ قُوَّتِهِ وَ تَحْلِيَةِ السَّرْبِ وَ سَلَامَتِهِ وَ سَعَتِ الْوَقْتِ وَ كِفَايَتِهِ بِالْإِجْمَاعِ وَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.

لَا خِلَافَ وَ لَا إِشْكَالَ فِي عَدَمِ كِفَايَةِ الْقُدْرَةِ الْعُقْلِيَّةِ فِي وُجُوبِ الْحَجِّ، بَلْ يُشْتَرَطُ فِيهِ الْإِسْتِطَاعَةُ الشَّرْعِيَّةُ، وَ هِيَ كَمَا فِي جُمْلَةٍ مِنَ الْأَخْبَارِ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ، فَعَدَمُهُمَا لَا يَجِبُ وَ إِنْ كَانَ قَادِرًا عَلَيْهِ عَقْلاً بِالْاِكْتِسَابِ وَ نَحْوِهِ.

وجوب حج دانسته و می فرمایند: کسی که زاد و راحله ای نداشته باشد، حج براو واجب نیست و اگر هم حج انجام دهد، مجزی نیست و باید وقتی زاد و راحله به دست آورد، آن را اعاده کند. ولی بقیه فقهای اهل سنت گفته اند: مجزی است.^۱ (همان، ج ۲، ص ۲۴۶)

همچنین در مسئله چهارم (ص ۲۴۶ - ۲۴۷) ضمن اشاره به نظر بزرگان اهل سنت چنین می فرمایند:

استطاعت بدنی آن است که خودش اعمال حج را انجام دهد و حجة الاسلام واجب نخواهد بود، مگر با وجود زاد و راحله، حتی اگر یکی از آنها موجود بود، حج براو واجب نمی شود؛ اگر چه طاقت پیاده رفتن و قدرت آن را داشته باشد.

ج سید مرتضی علم الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ق) در مفهوم استطاعت می فرمایند:

در نظر ما (شیعه) استطاعتی که با آن، حج واجب می شود؛ عبارت از سلامتی بدن و نبودن مانع و داشتن امکانات تغذیه و وسیله راه است. (علم الهدی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۳۰۱)

د) ابی الصلاح حلبی (تقی الدین بن نجم الدین) (۳۷۴ - ۴۴۷ ق) فقیه و متکلم امامی در *الکافی فی الفقه*، مفهوم استطاعت را چنین بیان می دارد: حج بر کسی واجب است که آزاد، بالغ و عاقل باشد و استطاعت، زمانی حاصل است که آدمی دارای تن سالم باشد، راه خالی از موانع بوده و امن شود، و زاد و راحله و چیزی که زندگی اش را تأمین کند - برگشت به شغل و تجارت و... - او را در امور زندگی کفایت کند، وجود داشته باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۴۴)

ه) علامه حلی رحمته الله علیه - حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ ق) - در *قواعد الأحكام* می فرمایند: مراد از بحث سوم در استطاعت داشتن زاد و راحله است. (حلی، ج ۱، ص ۴۰۴)

۱. مَنْ لَمْ يَجِدِ الزَّادَ وَ الرَّاحِلَةَ، لَا يَجِبُ عَلَيْهِ الْحَجُّ، فَإِنْ حَجَّ لَمْ يُجْزِهِ وَ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ إِذَا وَجَدَهُمَا. وَ قَالَ بَاقِي الْفُقَهَاءِ: أَجْرَاهُ.

و شهید اول - ابو عبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی عاملی (۷۳۴ - ۷۸۶ ق) در جلد ۱، صفحه ۶۳ اللمعة الدمشقیه، بلوغ، عقل، آزادی و داشتن زاد و راحله را شرط و جوب حج می دانند. (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۶۳)

بر پایه فتاوی فقهای شیعه، استطاعت در چهار زمینه مالی، امنیت، سلامت بدن و زمان با شرایطی مطرح است:

یک- توان تأمین هزینه سفر حج را داشته باشد و تا زمانی که از حج برمی گردد، مخارج خانواده اش و کسانی را که تأمین هزینه زندگی شان برعهده اوست، فراهم کند. همچنین توانایی اداره زندگی پس از بازگشت از حج را داشته باشد. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۷۳ و ۲۷۴)

دو- رفتن به مکه برای او ممکن باشد و خطر جانی، مالی و آبرویی او را تهدید نکند. (بنی هاشمی خمینی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۱۸۵)

سه- فرد از سلامت بدنی لازم برای سفر به مکه و به جای آوردن مناسک حج برخوردار باشد.

چهار- زمان کافی برای رفتن به مکه و انجام حج وجود داشته باشد. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۲۷۹ و ۲۸۱)

برخی از احکام فقهی استطاعت در شیعه

۱. از جمله احکام فقهی استطاعت این است که اگر کسی با قرض گرفتن مخارج سفر حج خود را تأمین کرده است، مُستطیع محسوب نمی شود و حجش واجب به شمار نمی آید. (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۰)

۲. کسی که با قرض گرفتن هزینه های سفر را تأمین کرده است، مستطیع محسوب نمی شود و حجش از حج واجب کفایت نمی کند. البته به فتوای برخی از مراجع تقلید، اگر چنین شخصی بتواند به آسانی قرضش را پرداخت کند، اشکال ندارد. (فلاح زاده،

۳. به فتوای برخی از فقیهان، از جمله محقق حلی و صاحب جواهر، اگر کسی به اندازه استطاعت مالی مال دارد، اما فعلاً نمی‌تواند از آنها استفاده کند، بر او واجب است برای حج قرض بگیرد.

۴. اگر هزینه‌های استطاعت مالی را به کسی بیخشند، آن فرد مستطیع محسوب می‌شود و حج بر او واجب است. (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۷، ص ۲۶۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ص ۲)
۵. کسی که هزینه رفتن به مکه را ندارد، اما دیگری، آن را قبول کرده است، اگر مطمئن باشد که او به قولش عمل می‌کند، مستطیع محسوب می‌شود و حج بر او واجب است. (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۱۸۸)

۶. کسی که مستطیع شده، اما به حج نرفته تا فقیر شده است، باید هرطور که می‌تواند به حج برود؛ هرچند برایش مشقت داشته باشد. همچنین چنین شخصی اگر پیریا ناتوان شود و امید به رفتن خود هم نداشته باشد، باید اجیر بگیرد تا از طرف او حج به جا آورد. (همان، ص ۱۹۲-۱۹۱)

از آنچه در باب استطاعت فقهی شیعه بیان شد، چنین استنباط می‌شود:
بعد از کامل شدن عقل و صحت و سلامت جسم و نداشتن بیماری‌ای که مانع رسیدن به مکه شود و نبود موانع در مسیر سفر، استطاعت عبارت است از راحله (وسیله راه) و زاد و توشه.

جایگاه عرف در استطاعت و ارتباط آن با شأنت

یکی از ضرورت‌های فقه، انطباق موضوعات با مسائل روز است.
فقه کارآمد درصدد انطباق شریعت با نیازمندی‌های روز جامعه است تا با توجه به عرف عام فقه عملی در جامعه توسعه یابد.

مراد از عرف عام، شیوه عملی اغلب مردم جامعه است که با اختلاف زمان ها و مناسبت ها و امور اجتماعی تغییر نمی کند و در همه زمان ها و مکان ها جریان دارد. به شرطی که عمل به آن، مخالفت با نص را در پی نداشته باشد.

توجه و اهتمام به موضوع عرف از اصول مهم در تقریب مذاهب و مبانی مهم در اسلام محسوب می شود؛ چنان که معارف دینی و منابع اصیل برپایه اسلوب و محاورات عرفی با این شرط که مخالف با نص (قرآن و سنت) و از نوع مسامحات و عادات تقلیدی و بی اساس نباشد، بنا شده است.

طبیعی است که با پیشرفت علم و تحول و تنوع در زندگی و نیازهای جوامع بشری، موضوع استطاعت نیازمند تحول و تغییر در تعریف و مصادیق خود است. توجه به دو موضوع زمان و مکان، تأثیر زیادی در استنباط فقه استطاعت دارد.

از تتبع در استفتائات و موضوعات محل بحث در جامعه می توان به این تحولات پی برد و اهمیت و ضرورت آن را دریافت. چنانچه امام خمینی علیه السلام می فرمایند: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، ظاهراً همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد و یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول، که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد». (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش، ج ۲۱، ص ۹۸)

وهبه زحیلی (عالم برجسته اهل سنت) در تعریف عرف چنین می نگارد: عرف آن است که متعارف بین مردم باشد و مردم هر عمل رایج همگانی یا گفتاری را انجام دهند که بر مفهوم خاصی استعمال شود و در لغت یافت نشود و هنگام شنیدن، غیر آن به ذهن سبقت نگیرد و این شامل عرف عملی و قولی است. (زحیلی، ۱۳۸۸، ص ۹۷).

همچنین مصطفی احمد الزرقاء، مؤلف شرح القواعد الفقہیہ و از علمای اهل سنت چنین بیان می‌دارد:

در فقه اسلامی برای عرف و اعتبار آن اتفاق نظر وجود دارد، هرچند که بین دیدگاه‌ها درباره حدود و مقدار کاربرد آن تفاوت است. در مذهب حنفی در اثبات حقوق و انجام معاملات و تصرفات مردم، عرف را اصل و منبع عظیم و وسیعی در اثبات احکام حقوقی و نیز معتبر دانسته‌اند، مگر آنکه نص شرعی صحیحی آن را رد کند. (احمد الزرقاء، ۱۳۴۶، ج ۱، ص ۱۳۴)

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه ﴿وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾ آورده‌اند که عرف باید در روش و عمل مردم امری حسن و معقول باشد و برخلاف ارزش‌ها نباشد. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۸ ش، ج ۸، ص ۳۹۷)

۱. جایگاه عرف در استطاعت

با توجه به اهمیت عرف در فقه اسلامی در مفهوم و مصادیق استطاعت، عرف جایگاه ویژه‌ای دارد؛ در مواردی چون تأمین هزینه زندگی، پس از بازگشت از سفر حج، اداره زندگی در حد متعارف و معمول به گونه‌ای که در مخارج زندگی به حرج و مشکلی برنخورد، شاخص در تبیین آن عرف است. همچنین توشه اعم از خوردنی و آشامیدنی و همه مایحتاج سفر به اقتضای حال و قوت و ضعف فرد و به لحاظ گرما و سرما و سایر آنچه در سفر بدان نیاز است، باید متناسب با حال و شرافت افراد باشد.

راحله، مطلق هر مرکوبی است، مثل کشتی در دریا را هم شامل می‌شود و باید با حال و شرایط شخص به لحاظ قوت و ضعف تناسب داشته باشد. اگر شأنش این است که روی خود زین اسب یا پالان الاغ ننشیند باید برایش یک کجاوه و مهملی بزنند. صاحب کتاب عروة الوثقی در باب زاد به طرح سه محور می‌پردازند:

۱. قوت و ضعف: به نظرایشان کسی که تاب سفر در سرما را ندارد یا کسی که عاجز

از گرماست و در گرما نمی تواند حرکت کند، مستطیع نیست.

۲. زمان:

۳. شأن؛ بنا بر این اگر زاد و توشه مناسب حال او نباشد شارع وجوب را برای او قرار نداده و حج او حجة الاسلام نیست. اگر کسی بگوید من پول غذا را ندارم، ولی حاضرم گرسنگی را تحمل کنم و به حج بیایم و هیچ مشکل دیگری نداشته باشد، این حجة الاسلام نیست. (الطباطبائی الیزدی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۳۶۴)

۲. جایگاه شأن و ارتباط آن با عرف

وجوب حج مشروط به استطاعت است. از جمله شروط استطاعت، داشتن توشه، وسیله سفر یا هزینه عزیمت به حج است. توشه به لحاظ کمی و کیفی باید متناسب با شأن حج گزار باشد و این شأن را عرف تعیین می کند. در اینکه وسیله نقلیه نیز باید چنین باشد یا تنها به لحاظ قوت و ضعف باید مناسب حال او باشد، اختلاف نظر وجود دارد.

امام خمینی علیه السلام در خصوص شرایط وجوب حجة الاسلام به شأن توجه داشته و می فرماید: شرط است در وجوب حج، علاوه بر هزینه رفت و برگشت اینکه ضروریات زندگی و آنچه را به عنوان معیشت به آن نیاز دارد، داشته باشد؛ مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و... در حدی که مناسب با شأن باشد، چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد. (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲، ص ۴۲۳)

بر همین اساس از فتاوا یی که به لحاظ اجتماعی و وضعیت اقتصادی و وضع و حال مردم با اصل کرامت انسان و حفظ و پاسداری از آن سازگاری بیشتری دارد، رجوع به کفایت است که بر اساس آن وجوب حج به هیچ وجه مستلزم محتاج خلق شدن و دست نیاز به سوی دیگران دراز کردن بعد از مراجعت نیست و امام خمینی علیه السلام برخلاف بعضی از فقها، بدان قائل بوده و آن را در وجوب حج، لازم و معتبر می داند و چنین بیان می دارند:

رجوع به کفایت یعنی اینکه شخص بعد از برگشت و مراجعت از حج، کاری یا

چیزی که زندگی او را کفایت می‌کند داشته باشد؛ از قبیل تجارت، کشاورزی، صنعت یا منافع ملکی. مانند باغ و دکان و مانند اینها، به طوری که بعد از برگشتن نیازمند دست دراز کردن جلوی مردم نباشد و به مشقت و سختی و حرج نیفتد.^۱ (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲ ش، مسئله ۳۹)

آیت الله مکارم در خصوص جایگاه شأن در استطاعت می‌فرمایند: «شأنیت در حد متعارف و به دور از افراط و تفریط ملاک است». (pasokh@makarem.ir14010109004). همچنین حضرت آیت الله سیستانی در تأثیر شأنیت در تعریف و تعیین استطاعت مالی فرموده‌اند: «باید مناسب شرف و شأن فرد باشد». (www.sistani.org. کد: 1269615)

استطاعت از دیدگاه فقهای معاصر

امام خمینی در باب استطاعت می‌فرمایند: در وجوب حج، قدرت عقلی کافی نیست، بلکه استطاعت شرعی شرط است، به گونه‌ای که اگرزاد و راحله و سایر چیزهایی که در آن معتبر است، موجود نباشد، حج واجب نیست و کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند، فرقی نمی‌کند که قادر بر پیاده‌روی باشد یا نباشد و در میان راه با اکتساب، زاد تهیه کند یا نتواند. مخالف لباس و شرفش باشد یا خیر، و فرقی نیست میان کسی که به مکه نزدیک باشد یا دور. (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲ ش، ج ۱، ص ۴۲۲)^۲

۱. الأَقْوَى اِغْتِبَارِ الرَّجُوعِ إِلَى الكَفَايَةِ مِنْ تِجَارَةٍ أَوْ زِرَاعَةٍ أَوْ صَنَعَتٍ أَوْ مَنَفَعَةٍ مَلِكِ كِبْسْتَانِ وَ دَكَانٍ وَ نَحْوَهُمَا بَحِثٌ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّكْفِيفِ وَلَا يَقَعُ فِي الشَّدَّةِ وَ الْحُرْجِ، وَ يَكْفِي كَوْنَهُ قَادِرًا عَلَى التَّكْسِبِ اللَّاتِقِ بِحَالِهِ أَوْ التَّجَارَةِ بِاعْتِبَارِهِ وَ وَجَاهَتِهِ، وَ لَا يَكْفِي أَنْ يَمْضِيَ أَمْرُهُ بِمِثْلِ الزَّكَاةِ وَ الْحُمْسِ. وَ كَذَا مِنْ اِلسْتِعْطَاءِ كَالْفَقِيرِ الَّذِي مِنْ عَادَتِهِ ذَلِكَ وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى التَّكْسِبِ، وَ كَذَا مِنْ لَا يَتَفَاوَتُ حَالِهِ قَبْلَ الْحُجِّ وَ بَعْدَهُ عَلَى الْأَقْوَى، فَإِذَا كَانَ لَهُمْ مُمُونَةٌ الدَّهَابِ وَ الْإِيَابِ وَ مُمُونَةٌ عِيَاهُمْ لَمْ يَكُونُوا مُسْتَطِيعِينَ، وَ لَمْ يَجْزِ حُجَّتَهُمْ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ.

۲. لَا تَكْفِي الْقُدْرَةُ الْعَقْلِيَّةُ فِي وُجُوبِهِ، بَلْ يَشْتَرَطُ فِيهِ اِلسْتِعْطَاعَةُ الشَّرْعِيَّةُ؛ وَ هِيَ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ وَ سَائِرُ مَا يُعْتَبَرُ فِيهَا، وَ مَعَ فَقْدِهَا لَا يَجِبُ وَلَا يَكْفِي عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ، مِنْ غَيْرِ فَرْقٍ بَيْنَ الْقَادِرِ عَلَيْهِ بِالْمَشْيِ مَعَ اِلَاكْتِسَابِ بَيْنِ الطَّرِيقِ، وَ غَيْرِهِ، كَانَ ذَلِكَ مُخَالِفًا لِزَيِّهِ وَ شَرْفُهُ أَمْ لَا، وَ مِنْ غَيْرِ فَرْقٍ بَيْنَ الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ.

آیت الله مکارم می‌فرمایند: حج بر کسانی که دارای شرایط زیر باشند یک بار در تمام عمر واجب است:

۱. بالغ بودن؛

۲. عاقل بودن؛

۳. با انجام حج، عمل واجب دیگری که مهم‌تر از حج است ترک نشود یا کار حرامی که اهمیتش در شرع بیشتر است به جا نیاورد؛

۴. استطاعت و آن به چند چیز حاصل می‌شود:

الف) داشتن زاد و توشه راه و آنچه در سفرش به آن محتاج است و مرکب سواری مورد نیاز یا مالی که بتواند به وسیله آن اینها را به دست آورد؛

ب) نبود مانع در راه و عدم وجود ترس از خطر و ضرر بر جان و مال خویش که اگر راه بسته است یا ترس از خطری وجود دارد، حج براو واجب نیست. ولی اگر راه دیگری وجود دارد، هرچند دورتر است، لازم است از آن راه به حج رود؛

ج) توانایی جسمانی بر انجام مناسک حج؛

د) وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام مناسک؛

ه) تأمین مخارج کسانی که خرج آنها براو شرعاً یا عرفاً لازم است؛

و) داشتن مال یا کسب و کاری که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۳۱) هزینه رفت و آمد علاوه بر آنچه برای زندگی نیاز دارد واجب است. بنابراین مسکنی که مناسب حال او باشد و لباس و وسایلی که او را آراسته می‌سازد و سایل خانه و ماشین و ابزاری که برای کارش به آن نیاز دارد و مابقی آنچه را به احوال و لباس و شرافتش نیاز دارد، فروخته نمی‌شود.

مسائل مستحدثه

اولین موضوع بحث شده در حج، استطاعت مالی است. تحول در کیفیت انجام حج و توسعه هزینه‌های آن زمینه‌های بازنگری در تعریف استطاعت و مصادیق آن را ایجاد کرده است؛ مثلاً در کشور ما به دلیل استقبال فراوان مردم و ضرورت تأمین شرایط لازم برای انجام فریضه حج و از سویی محدودیت تعیین شده از سوی کشور حج‌گزار، سازمان حج و زیارت اقدام به پیش‌ثبت نام می‌کند. براین اساس شمار زیادی از مردم به این امر اقدام می‌کنند؛ درحالی‌که ممکن است مستطیع نباشند و فقط توانایی پرداخت پیش‌ثبت نام را داشته باشند.

برخی از احکام فقهی با توجه به مسایل روز

۱. س: اگر مکلف توانایی جسمی و استطاعت مالی برای ادای حج داشته باشد، اما سازمان حج و زیارت به دلیل نرسیدن نوبتش به او اجازه رفتن ندهد، در این صورت آیا بر او واجب است برای ادای حج از کسی که نوبتش فرارسیده است بخواهد تا با دریافت مبلغی، گرچه سنگین، نوبتش را به او واگذار کند؟

ج: اگر پرداخت مبلغ خواسته شده برایش سنگین باشد، بر او واجب نیست که آن را بدهد، وگرنه واجب است. لیکن اگر سازمان مربوطه عدالت را در فرستادن حجاج رعایت و اجرا می‌کند، تخلف از قوانین آن به شکل مذکور یا مانند آن جایز نیست. (WWW.SISTANI.ORG)

۲. س: آیا در حال حاضر، که پذیرش زائر از طرف عربستان سعودی محدودیت دارد، داشتن وجه ودیعه ثبت نام، دال بر وجوب حج است و استطاعت محسوب می‌شود یا لازم است توان پرداخت کلیه هزینه‌های عرفی حجاجی که در همان سال حج به جا می‌آورند را داشته باشد.

حضرت آیت الله سیستانی می‌فرمایند: «باید آنچه انجام دادن حج بر آن متوقف

است، مالک باشد». (همان، کد: ۱۲۶۹۶۱۵)

۳. س: شخصی که به منظور سفر حج در سازمان حج و زیارت، ودیعه ثبت نام را واریز کرده است، آیا می‌تواند به دلیل نیازی که پیدا می‌کند، ودیعه را بازپس گیرد؟ آیا با این کار حج بر او مستقر شده است؟

ج: اگر به آن مبلغ برای هزینه‌های لازم خودش احتیاج داشته باشد و جز آن، اموال نقدی یا غیر از آنکه موجب استطاعت مالی اش شود، نداشته باشد، حج بر ذمه اش مستقر نمی‌شود. (سیستانی)

۴. س: کسی که نمی‌تواند طبق اصول دیپلماتیک از طریق کشور خود به حج برود، اما می‌تواند از طریق کشورهای دیگر به حج برود، آیا مستطیع محسوب می‌شود؟
ج: در صورتی که رفتن از سایر کشورها مقدور باشد، باید برود. (همان، کد: ۱۲۶۹۶۱۵، سؤال ۳)

میقات

۵. س: اگر فرد مستطیع دارای موقعیت شغلی و اجتماعی است، به گونه‌ای که رفتن به حج مستلزم تحمیل هزینه به بیت‌المال است؛ مانند اینکه حفاظت از وی، مستلزم همراهی افرادی با ایشان باشد، آیا این فرد مستطیع محسوب می‌شود؟

ج: آن مقدار که قانوناً در سایر ایام صرف هزینه او می‌شود بر عهده بیت‌المال است و مازاد بر آن بر عهده خود اوست. چنانچه مقدار مازاد را نیز داشته باشد، مستطیع محسوب می‌شود. (مکارم کد: ۱۴۰۱۰۱۱۹۰۰۴۶، پاسخ ۱)

۶. س: شخصی که از لحاظ مالی مستطیع شده اما با توجه به موقعیت شغلی رفتن به حج در آن مقطع زمانی موجب خسران قابل توجه است، تکلیفش چیست؟
ج: اگر خوف عقلایی برای کسی دارد، مستطیع محسوب نمی‌شود. (همان، کد: ۱۴۰۱۰۱۱۹۰۰۴۶، پاسخ ۲)

۷. س: شخص مستطیعی که به دلایل دیپلماسی یا مسایل داخلی ممنوع‌الخروج

است و نمی‌تواند در این سال حج به جا آورد، آیا در سال‌های بعد، پس از طرف شدن مانع، حج بر ذمه اوست؟

ج: چنانچه استطاعت مالی و بدنی او تا سال آینده باقی بماند و موانع استطاعت طریقی او برطرف شود، در سال بعد باید حج را به جا آورد. (همان، ۱۴۰۱/۱۹۰۰۴۶، پاسخ شماره ۳)

با فرض مستطیع بودن باید به حج برود مگر اینکه اطمینان داشته باشد که در سال‌های بعد انجام خواهد داد. (دفتر استفتائات حضرت آیت الله سیستانی کد ۱۲۷۵۴۴۵)

۸. س: اگر مستطیع در سالی که استطاعت مالی دارد، اجازه سفر به سرزمین مقدس برای انجام حج نیابد، آیا بر او لازم است که استطاعت مالی خود را به مقدار توانش حفظ کند تا در سال آینده حج را به جا آورد؟

ج: کسی که استطاعت مالی دارد، اگر در سال استطاعت با ثبت نام یا غیر آن، می‌تواند به حج برود، باید هزینه را نگهداری کند. ولی اگر در همان سال، از هیچ طریقی، رفتن به حج ممکن نیست، مستطیع نشده و نگهداری پول لازم نیست. (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۴ ش، مسئله ۲۳ و ۵۷)

اگر این نکته را احراز کند که شرط‌های دیگر استطاعت در سال آینده فراهم خواهد بود، بر او لازم است استطاعت مالی خود را حفظ کند، وگرنه بنا بر اظهر واجب نیست. (سایت آیت الله سیستانی)

۹. س: اگر شخصی در ایام مصادف با اعمال حج (ذی القعدة یا ذی الحججه). سه شرط (مالی طریقی و بدنی) را کسب کرده باشد، اما زمان کافی برای سفر حج در همان سال را نداشته باشد تا سال آینده در صورت فقدان استطاعت مالی آیا وجوب حج از گردنش ساقط می‌شود؟

ج: چنانچه وقت کافی برای رسیدن به مکه و اعمال حج ندارد، مستطیع محسوب

نشده و انجام حج بر او واجب نیست. (مکارم شیرازی. کد ۱۴۰۱۰۱۱۰۰۰۸۷)

اگر نتواند استطاعت مالی را تا سال آینده نگه دارد حج بر ذمه او نیست. (سیستانی)
۱۰. س: اگر فردی توانایی تأمین هزینه سفر حج از طریق کشور خود را ندارد، اما قادر به پرداخت هزینه از سایر کشورهاست، آیا مستطیع محسوب شده؟ تکلیف شرعی چیست؟

ج: اگر انجام حج از سایر کشورها به راحتی ممکن باشد و مبتلا به مشقت و ناراحتی نشود، مستطیع محسوب می شود. (مکارم شیرازی: کد ۱۴۰۱۰۱۰۹۰۰۴۱)

۱۱. س: کسی که استطاعت مالی دارد و از سایر جهات دیگر نیز استطاعت وجود دارد، لیکن زمان حج نرسیده، می تواند از استطاعت خارج شود؟

ج: فرقی بین شهر حج شوال، ذی قعدة و ذی حجه - و قبل از آن نیست. بنابراین بعد از تحقق استطاعت مالی، اگر شرایط موجود باشد، نمی تواند از استطاعت خارج شود؛ حتی در اوایل سال و قبل از ماه های حج. (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۴ ش، مسئله ۹۵)

۱۲. س: اگر فردی پول لازم برای رفتن به حج را دارد، ولی پسرش به سن ازدواج رسیده باشد، گرفتن همسر برای پسرش واجب است یا انجام حج؟

ج: چنانچه پدر آنچه را دارد برای ازدواج پسر مصرف کند، حج از او ساقط می شود. (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی)

۱۳. س: امروزه که مهریه اکثر خانم ها سکه است و به لحاظ ارزش بیش یا معادل هزینه سفر حج است، در صورتی که مهریه به قبض در نیامده آیا شخص واجب الحج محسوب می شود و لازم است بلافاصله هزینه حج را از همسرش مطالبه کند یا اینکه به زمان توانمندی مرد موکول کند.

ج: حضرت آیت الله مکارم شیرازی در این خصوص می فرمایند: اگر به راحتی بتواند مهریه را بگیرد و مطالبه مهریه مشکلی برای زندگی مشترک او ایجاد نکند، مستطیع

محسوب می‌شود. (کد: ۱۴۰۱۰۹۰۰۴۴)

بنا بر آنچه در احادیث و فقه اهل سنت و شیعه بیان شد، با توجه به اینکه رفتن به حج نباید موجب عسر و حرج شود، اگر زنی مهریه خود را از همسرش مطالبه کند؛ و وی قادر به پرداخت آن نباشد و سبب شود خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنند یا وسیله نقلیه‌ای که در شأن اوست به فروش برساند، یا اینکه به طلاق و جدایی منجر شود، در خواست این مهریه برای رفتن به سفر حج مجاز نیست. اما اگر زن می‌تواند خود، هزینه سفر را با وجود سایر شرایط تأمین کند، و مهریه را در زمان استطاعت همسر دریافت کند، این حج از آن کفایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

نظر به وجوب حج و اهمیت خالی نماندن کعبه معظمه از حجاج، بررسی حکم استطاعت و شناخت مصادیق آن از منظر مذاهب اسلامی ضروری است. مفهوم استطاعت در عرف، شرع و لغت نبود مشقت و آسانی امور در سفر حج است و مجرد قدرت و امکان رسیدن به حج استطاعت محسوب نمی‌شود.

در این مقاله احادیث مشترک فریقین در خصوص وجوب استطاعت به جهت دلالت بررسی شد و سپس به احکام مرتبط فقه فریقین پرداخته شد تا روشن شود، آیا احادیث مشترک به فتوای مشترک منجر شده است؟

بررسی منابع فقهی و حدیثی بیانگر این است که در موضوع استطاعت بین شیعه و اهل سنت اشتراکات فراوانی وجود دارد و اختلاف نظر در بسیاری مواقع جزئی و فرعی است و مبنایی نیست و این نوع اختلافات بین عالمان یک مذهب نیز غالباً وجود دارد؛ مثلاً در بحث استطاعت طریقی زن.

از مجموع نظرات چنین نتیجه می‌گیریم که همه فقها برآنند که پیش از سفر حج، باید امنیت زن در این سفر تضمین شده باشد.

همچنین در استطاعت بدنی، فهم عرف ملاک بوده و بین فریقین اشتراک نظر وجود دارد و چنانچه بررسی شد در این خصوص اختلاف مهمی وجود ندارد و همگان بر دارا بودن سلامت و نبود مشقت زیاد حکم کرده‌اند. بدیهی است، مهم‌ترین شرط در موضوع استطاعت، حصول توانایی مالی در موسم حج است و در صورت فقدان استطاعت طریقی و زمانی شخص از استطاعت خارج می‌شود؛ اما نبود استطاعت بدنی باعث خروج از استطاعت نمی‌شود. بلکه در این خصوص فریضه حج به صورت نیابتی انجام می‌شود. آنچه در موضوع حج به عنوان یک اصل کاربردی دارای اعتبار است، انطباق آن با عرف جامعه اسلامی است؛ چنانچه بیان شد. عرف در فقه اسلامی اعتبار مشروع داشته و فریقین بر جایگاه آن اتفاق نظر دارند و تنها در اندازه دلالت و کاربرد آن دارای تفاوت دیدگاه هستند. فقهای شیعه و سنت در باب استطاعت نیز برای عرف و شأنیت جایگاه ویژه‌ای قائل هستند و معتقدند استطاعت منوط به داشتن زاد و راحله - متناسب با عرف و شأنیت افراد - است. بر این اساس کیفیت طی مسیر، داشتن مال و کسب و کار پس از بازگشت از حج نیز لازم است با شأن حج‌گزار تناسب داشته باشد و انجام حج نباید با عسرو حرج و ضرر و زیان همراه باشد.

در پایان به این نتیجه می‌رسیم: گاه علوم انسانی و مطالعات فریقینی

فقهای اهل سنت و امامیه به استناد قرآن و احادیث مشترک در موضوع وجوب حج استطاعت مطلق (که عبارت است از: باز بودن راه، امنیت سفر، داشتن آذوقه و هزینه رفت و برگشت سفر) را شرط کرده‌اند و وجوب حج را به آن منوط دانسته و بر این اساس فتوا داده‌اند. بررسی دقیق منابع دینی فریقین موجب تقریب آنان در حوزه اندیشه و عمل شده و زمینه وحدت و انسجام هرچه بیشتر امت اسلامی را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود تا هدف اصلی حج که حفظ وحدت اسلامی و چنگ زدن به ریسمان الهی به منظور خودداری از تفرقه است تأمین شود.

منابع

۱. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، (۱۴۱۹ق)، المغنی، بیروت، چاپ افسست.
۲. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوينی، (۱۴۱۸ق)، سنن ابن ماجه، بیروت، دار احیاء الكتب العربیة، دار الجلیل.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۹ق)، لسان العرب، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن نجیم الحنفی ابن عابدین، زین الدین، (۱۴۱۸ق)، بحر الرائق شرح کنز الدقایق، ج ۲، بیروت، دار الكتب العلمیه.
۵. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، (۱۳۸۷)، الکافی فی الفقه، ج ۱، قم، بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری یا الجامع الصحیح المسند، قاهره، چاپ دوم.
۷. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن، (۱۳۸۱)، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم.
۸. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۲۴ق)، السنن البیهقی الکبری، بیروت، دار الكتب العلمیه، چاپ سوم.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۰۰ش)، سنن الترمذی، مکتبه البشری.
۱۰. جزیری، عبدالرحمان، (۱۴۰۶ق)، ج ۱، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۶)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ دهم.
۱۲. خمینی، روح الله، (۱۳۸۲)، مناسک حج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. -----، (۱۳۸۴)، مناسک حج، قم، نشر مشعر، چاپ سوم.
۱۴. دارقطنی، علی بن عمر، (۱۴۲۴ق)، سنن الدارقطنی، بیروت، دار الكتب العلمیه، چاپ اول.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۷)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مؤسسه الصادق للطباعة والنشر.
۱۶. الرعینی (الخطاب)، محمد بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، ج ۳،

مصر، دارالفكر، چاپ سوم.

۱۷. زحیلی، وهبه مصطفی، (۱۹۳۲م)، الفقه الاسلامی وادلتہ، ج ۳، دمشق، دار الفکر.
۱۸. -----، (۱۳۸۸)، الوجیز فی اصول الفقه، ایران، احسان، چاپ ۴.
۱۹. الزرقا، مصطفی احمد، (۱۳۴۶)، المدخل الفقہی العام، دمشق، دارالفکر.
۲۰. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰) اللعة الدمشقیة، بیروت، دارالتراث.
۲۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضة البهية فی شرح اللعة الدمشقیة، ج ۲، بیروت، الدار الإسلامیة، چاپ اول.
۲۲. طباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، (۱۴۰۰)، العروة الوثقی، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف. قم، مؤسسة النشر الإسلامی. جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
۲۴. -----، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران، ایران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۵. -----، (۱۳۹۶)، المبسوط فی فقه الإمامیة، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم.
۲۶. فلاح زاده، محمد حسین، (۱۳۸۷)، منتخب مناسک حج، تهران، نشر مشعر، چاپ اول.
۲۷. قلعچی، محمد رواس، (۱۴۰۸ق)، معجم لغة الفقهاء، بیروت، دار النفائس للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ دوم.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الفروع من کافی، ج ۱، تهران. دارالکتب الاسلامیة.
۲۹. مدنی، سید علی خان، ۱۴۰۹، ریاض السالکین فی شرح الصحیفة السجادیة، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول.
۳۰. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۰ق)، المقنعة، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، رساله احکام برای جوانان، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، چاپ دوازدهم.
۳۲. موسوی بغدادی، سید ابوالقاسم علی بن حسین (۱۴۱۷ق)، المسائل الناصریات، تهران، مرکز پژوهش و تحقیقات علمی، چاپ اول.
۳۳. نجفی، محمد حسن، (۱۴۳۷ق)، ج ۱۷، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم، مؤسسه

- النشر الاسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه، چاپ سوم.
۳۴. نراقى، احمد بن محمد مهدى، (۱۴۱۵ق)، مستند الشيعة فى احكام الشريعة، مشهد، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاهياء التراث.
۳۵. نووى، يحيى بن شرف، (۱۴۲۱ق)، المجموع شرح المهذب، ج ۷، بيروت، دارالفكر.
۳۶. هاشمى شاهرودى، سيد محمود، (۱۳۹۰)، فرهنگ فقه، ج ۱، قم، مؤسسه دايرة المعارف فقه اسلامى.

